

یادداشت

تهران بیدار می‌شود

۳- بارگذاری جمعیتی براساس آب قابل تأمین که طبق آن وزارت نیرو مکلف شده «توان تأمین آب شرب» برای تهران و البرز را براساس آخرین وضعیت «منابع و مصارف آبی» این دو استان اعلام کند. ۴- اعلام برق و گاز قابل تأمین. وزارتخانه‌های نیرو و نفت باید توان واقعی تأمین برق و گاز با لحاظ شوک‌های فصلی را اعلام کنند تا بارگذاری‌های جمعیتی تابعی از آن شود. ۵- صدور مجوز «شهرک صنعتی» سه سال ممنوع می‌شود و تأمین اراضی صنعتی نیز منوط به «تأمین آب از منابع نامتعارف» و «تأمین برق خورشیدی» است. ۶- تهیه فهرست «صنایع قابل انتقال از تهران» که وزارت صمت مکلف شده طرف سه ماه فهرستی از صنایع قابل انتقال از تهران و البرز را تهیه کند؛ اولویت انتقال با صنایع آب‌بر و انرژی‌بر مثل کارخانه‌های سیمان و فولاد است. همچنین در ازای انتقال این صنایع امکان استقرار «صنایع دانش‌بنیان، پاک و فناوری‌محور» مجاز است. ۷- منع صدور «تراکم مازاد، به‌طوری‌که وزارت کشور تدابیری اتخاذ کند که شهرداری‌ها در تهران و البرز از صدور تراکم ساختمانی مازاد بر طرح تفصیلی و انحراف از طرح‌های جامع و تفصیلی منع شوند. ۸- تأمین مسکن که «توسعه درون‌زا» به‌طوری‌که وزارت راه‌وشهرسازی سیاست تأمین مسکن در تهران و البرز را از طریق توسعه درون‌زا دنبال کند؛ یعنی اقدامی همچون ساخت در بافت‌های فرسوده. همچنین احداث شهرک مسکونی جدید یا شهر جدید در این دو استان به مدت سه سال ممنوع است. ۹- برق خورشیدی برای ساختمان‌های بالای دو هزار متر مربع و بالاخره فرمان دهم اینکه چمن‌کاری در تهران ممنوع است و شهرداری تهران باید ظرف سه سال، نیمی از چمن پارک‌ها و فضاهای سبز کنار بزرگراه‌ها را با «عناصر خشک‌منظری» یا همان «کم‌آب‌طلب» جایگزین کند.

اما آیا چنین تغییرات شدید و عمیقی، آن‌هم فوری و فوتی اصلا امکان‌پذیر است؟ مگر می‌شود فعالیت‌های ناسازگار را به این آسانی جابه‌جا کرد؟ باید از همان روز اول عوامل اصلی تصمیم‌گیر با این حرکت موافق باشند، وگرنه دولت سنگ روی یخ خواهد شد. همه می‌دانیم انتقال صنایع کار آسانی نیست و برای مهاجرت‌های ناشی از آن باید از قبل اندیشید. مشکلات مسکن در تهران نیز با تعطیل‌کردن حل نمی‌شود، و متأسفانه آنچه در دهه‌های اخیر ساخته شده، در پاسخ‌گویی به نیازها نبوده (درواقع سوداگری بوده و نه تأمین مسکن برای جامعه هدف) و برای تقاضاهای جاری، مناسب و پاسخ‌گو نیست. ۵۰ سال هیچ ارگانی نتوانست جلوی تغییر کاربری باغات شهری را بگیرد.

به‌علاوه، این مصوبه دولت باید اول به مجلس برود و به قانون تبدیل شود. شهرداری تهران سال‌های اخیر جز فروش تراکم کاری نداشته و اگر در کمیسیون ماده ۵ بسته نشود، بزباله‌ها را هم دیگر جمع نخواهد کرد. از مشتریان سدساز و پیمانکاران بتن‌کار وزارت نیرو هم که تکویم بهتر است. آنها آب و برق را از هرجا می‌شود به تهران و کرج می‌آورند. بنابراین پرسشی از «توان تأمین آب شرب» همیشه بی‌مورد بوده است. از تمام این فرامین آنچه برای من جالب، متناقض و بانمک بود، تشویق وزارت راه و شهرسازی به توسعه درون‌زای شهری و بازسازی و مرمت بافت‌های قدیمی و فرسوده بود. درست دو سه هفته بعد از ادغام و محو شرکت بازآفرینی شهری در سازمان زمین و مسکن، اکنون دولت راهکارهایی را پیشنهاد می‌کند که دیگر متولی تخصصی برای آن ندارد. در عوض، برای جایگزینی چمن‌های شهرها با گیاهان دیگر به نیست شهرداری تشویق شود، به طریقی که بتوانند اراضی‌اش این‌کند. در نهایت باز به فرمایش دکتر بیت‌اللهی، این مصوبه ۱۰ بندی برای کنترل فرونشست زمین در استان‌های تهران و البرز بسیار مهم و تأثیرگذار است و علاوه بر تهران و کرج، برای مشهد، اصفهان، شیراز، یزد، تبریز، کرمان و اهواز نیز قابل تعمیم است. الله اعلم!

گسترش نمایندگی به شرط تقویت انضباط مالی

شرط اقامت در تهران باید بازنگری شود
پیش‌نویس در گسترش نمایندگی سراسری ناسازگار است. این شرط عملا بسیاری از ولای توانمند سایر استان‌ها را از عضویت در هیئت‌مدیره محروم می‌کند و ممکن است تنوع تجربه، دیدگاه و منافع اعضا را کاهش دهد. راه‌حل بهتر آن است که به جای الزام به اقامت دائم در تهران، حضور مؤثر در جلسات از طریق ترکیبی از حضوری، جلسات دورکاری و مسئولیت مشخص در قبال غیبت‌های غیرموجه الزامی شود. به این ترتیب، هم انسجام اجرایی حفظ می‌شود و هم مانع غییر منطقی بر سر راه نمایندگان استان‌ها برداشته می‌شود.

پایداری مالی، شرط بقای صندوق
از منظر محاسبات بیمه‌ای، صندوق یک طرح حمایتی با تعهدات بلندمدت بازنشستگی، ازکارافتادگی و بازنماندگان است. پایداری آن به تعادل میان حق بیمه، بازده سرمایه‌گذاری، ساختار جمعیتی اعضا، نرخ ورود و خروج، امید به زندگی و هزینه‌های اداری بستگی دارد. گسترش پوششش به کارآموزان از نظر جمعیتی مثبت است؛ زیرا ورود افراد جوان‌تر می‌تواند نسبت وابستگی میان بازنشستگان و اعضای فعال را بهبود ببخشد. تنوع منابع درآمدی، شفافیت مالی و محدودیت هزینه‌های اداری به حداکثر سه درصد درآمد کل نیز نقاط قوت پیش‌نویس هستند. اما نبود الزام صریح به ارزیابی مستقل و دوره‌ای وضعیت مالی و تعهدات صندوق، ضعف جدی متن است. مدیریت یک صندوق بازنشستگی بدون تخصص در ارزیابی تعهدات، مدیریت دارایی و بدهی، سرمایه‌گذاری بلندمدت و مدل‌سازی جمعیتی، تصمیم‌ها را در معرض ملاحظات سیاسی و کوتاه‌مدت قرار می‌دهد.

اصلاحات ضروری پیش‌نویس
برای آنکه اصلاح اساسنامه به پایداری واقعی صندوق بینجامد، باید چند الزام به متن اضافه شود:
- «ارزیابی مستقل و دوره‌ای وضعیت مالی و تعهدات صندوق»، حداقل هر سه تا پنج سال، با الزام به ارائه نتایج به مجمع عمومی و انتشار آن برای اعضا
- «ایجاد کمیته تخصصی سرمایه‌گذاری و مشاوره فنی دائمی» زیر نظر هیئت‌مدیره، با وظیفه ارزیابی ریسک، بازده سرمایه‌گذاری و توان پرداخت تعهدات

- «الزام به ارائه گزارش نسبت تأمین مالی» پیش از هر طرح افزایش مزایا یا کاهش حق بیمه
- «مدل‌سازی سناریوهای جمعیتی و سرمایه‌گذاری» پیش از تصویب هر تغییر اساسی در مزایا، نرخ مشارکت یا شرایط عضویت
- «شفاف‌سازی فرمول مزایا، نرخ مشارکت و شاخص‌های مالی صندوق» در آیین‌نامه‌های اجرایی
- «بازنگری در الزام اقامت دائم در تهران» و جایگزینی آن با سازوکار حضور مؤثر و پاسخ‌گویی اعضای غیرمقیم

- «حفظ سقف هزینه‌های اداری» و نظارت دقیق بر رعایت آن.
با این اوصاف، پیش‌نویس اصلاحیه در مسیر درستی حرکت می‌کند: افزایش نمایندگی، شفافیت فرایندی، پاسخ‌گویی و کاهش تمرکز قدرت، به‌ویژه، انتخاب اعضای هیئت‌مدیره از همه کانون‌ها باید پذیرفته شود؛ مخالفت صرف با این تغییر، بیشتر حفظ وضع موجود و نفوذ متمرکز است تا دفاع از کارایی صندوق. اما موفقیت این اصلاحات با یک شرط اساسی بستگی دارد: «گسترش نمایندگی باید با انضباط مالی و استقلال فنی همراه شود». صندوق باید هم دموکراتیک‌تر شود و هم توان سنجش دقیق تعهدات بلندمدت خود را داشته باشد. در غیر این صورت، اصلاح اساسنامه ممکن است مسئله تمرکز قدرت را حل کند، اما پایداری مالی صندوق و آینده امن بازنشستگان را در معرض ریسک قرار دهد.

«شرق» از فشار آمریکا بر همسایگان برای بستن مرزهایشان به روی تجارت ایران گزارش می‌دهد

تحریم مرزی

شرق:عراق پس از حدود یک ماه دوباره مرز زمینی خود را با ایران بسته است. این موضوع در حالی رخ می‌دهد که به تازگی بازرگانان و فعالان اقتصادی ایران خبر داده‌اند که پاکستان هم در اقدامی مشابه مرز خود را با ایران مسدود کرده است و در مرز ترکیه تجارت با هزینه بالا انجام می‌شود. اختلال در مرزهای زمینی کشور در شرایطی است که برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که آمریکا همسایگان را برای بستن مرزهای زمینی با ایران زیر فشار گذاشته است.

انسداد دوباره مرز عراق پس از یک ماه

در انتهای شهریور امسال عربستان خبر داد که پس از حمله پهبادی به خط لوله راهبردی شرق به غرب، فعالیت این مسیر انتقال نفت به‌طور موقت متوقف شده است. خط لوله شرق به غرب در واقع برای عربستان به عنوان یک مسیر جایگزین انتقال نفت عمل می‌کرد که در شرایط بسته‌شدن تنگه هرمز قادر است روزانه تا هفت میلیون بشکه نفت را جابه‌جا کند؛ هرچند که گزارش‌ها حاکی از آن است که عربستان در حال حاضر بین چهار تا پنج میلیون بشکه نفت را از طریق این خط لوله منتقل می‌کند. بلافاصله پس از حمله پهبادی به خط لوله شرق به غرب وزارت امور خارجه عربستان بیانیه داد که این حمله از مرز عراق انجام شده است.

در عین حال عربستان اعلام کرد که پس از درخواست نخست‌وزیر عراق از اقدام تلافی‌جویانه خودداری کرده، اما حق خود را برای اتخاذ «تمامی تدابیر لازم» به‌منظور حفاظت از منافعش محفوظ می‌داند و دولت عراق در واکنشی رسمی این حمله را محکوم کرد. در همین زمینه رابتر روز شنبه ۲۱ شهریور گزارش داد که بغداد و ریاض منشا حمله به خط لوله عربستان را خاک عراق اعلام کرده‌اند. دفتر نخست‌وزیر عراق نیز فرمانده عملیات نظامی استان میسان در جنوب شرقی این کشور را در ارتباط با این حمله برکنار کرد و عراق گذرگاه‌های مرزی با ایران را به صورت موقت و با آنچه آن را «اقدام احتیاطی» خواند، تعطیل کرد و پس از آن از لغو پروازهای بین دو کشور خبر داد. تصمیمی که سبب شد شمار زیادی از مسافران و کامیون‌های تجاری پشت نوار مرزی متوقف بمانند. در همین زمینه یک منبع امنیتی عراق نیز به تلویزیون السومریه‌نیز گفته بود که «گذرگاه مرزی شلمچه به دستور نخست‌وزیر عراق، موقتا بسته شده است»، با این حال چندی بعد عراق مرز میان دو کشور را بازگشایی و اعلام کرد که ایرانیان‌های عراقی پروازهای میان ایران و نجف را انجام می‌دهند. هرچند میداایست‌نیز گزارش داده که این اتفاق به دلیل فشار مردم و برخی سیاسیون عراقی رخ داده است اما در واقع مجوزی کوتاه و یک‌ماهه از وزارت خزانه‌داری آمریکااست تا برای مدت کوتاهی فرودگاه نجف مستثنا شود. حالا دوباره خبر انسداد مرز میان ایران و عراق منتشر شده است. بغداد روز چهارشنبه ۲۹ مهر دستور بسته‌شدن گذرگاه مرزی الشیب، چذابه در ایران، را صادر کرد. شبکه خبری الجزیره به نقل از یک مقام عراقی نوشته که این اقدام به دستور مستقیم علی‌الحذری، نخست‌وزیر عراق، انجام شده، هرچند هنوز دولت عراق بیانیه‌ای رسمی در این باره منتشر نکرده است. الجزیره همچنین خبر داده که بسته‌شدن این گذرگاه «با انسداد تدریجی چند مرز زمینی دیگر طی روزهای آینده تکمیل خواهد شد». بر اساس این دستور، «تا اطلاع ثانوی» نه افراد حق عبور و مرور از این گذرگاه را خواهند داشت و نه وسایل نقلیه باربری.

فشار آمریکا بر همسایگان ایران

خبرگزاری فرانسه به نقل از دو مقام عراقی گزارش داد که بغداد برای بستن تمامی گذرگاه‌های مرزی با ایران، از سوی آمریکا تحت فشار قرار دارد و وزارت دارایی آمریکا

این موضوع را با نخست‌وزیر عراق در زمان حضورش در نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح کرد و تمام گذرگاه‌های مرزی به‌استثنای یک گذرگاه در قلمرو دولت فدرال عراق و یک گذرگاه در اقلیم کردستان بسته خواهند شد.

خبرگزاری فرانسه همچنین توضیح داده که ایالات متحده از تمام کشورهای هم‌مرز با ایران خواسته است همین اقدام را انجام دهند. همچنین میداایست‌نیز به نقل از منبع مطلعی در وزارت خارجه عراق گزارش داده است که تصمیم بسته‌شدن مرزهای زمینی عراق با ایران، در سفر الزیدی به آمریکا و ابلاغ از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا اتخاذ شده است.

کرفتاری تجار در مرز پاکستان

این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که پاکستان هم به تازگی رویه‌ای مشابه را در پیش گرفته است. پس از محاصره دریایی ایران از سوی آمریکا، بازرگانان و صادرکنندگان ایرانی از بنادر پاکستان به عنوان مسیر جایگزین انتقال کالا استفاده می‌کردند اما شنبه‌شب ۲۵ مهر اطلاعاتی‌ای در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که بر مبنای آن وزارت امور خارجه اطلاع داده بود «تردها و مراودات مرزی ایران و پاکستان موقتا متوقف شده است». با انتشار این اطلاعیه موجی از تکزب‌ها و جعلی‌خواندن اطلاعیه شروع شد اما ساعاتی بعد ایرنا به نقل از اسماعیل بقانی، سخنگوی وزارت امور خارجه نوشت که «به دلیل بروز برخی مشکلات فنی و لزوم اتخاذ تدابیر احتیاطی، تردها و مراودات مرزی موقتا متوقف شده است اما مراجع ذی‌ربط دو کشور در تماس نزدیک با یکدیگر، در حال بررسی و مشورت برای رفع مشکل مذکور در اسرع وقت هستند تا فعالیت گذرگاه‌های مرزی به روال عادی بازگردد». هرچند بقانی دلیل انسداد مرز دو کشور را برخی مشکلات فنی دانست اما فعالان اقتصادی توضیح دادند که به تازگی پاکستان یک شرط سختگیرانه برای فعالان اقتصادی ایران گذاشته که عملا به معنی توقف تجارت بین دو کشور است.

پیمان سنندجی، رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی تهران، در همین زمینه توضیح داده است: «براساس آخرین اطلاعات موجود، مرز مشترک تجارت زمینی ایران و پاکستان بسته نیست، صادرات ایران و واردات پاکستان از ایران به دلیل تحریم متوقف شده است؛ چراکه واردکنندگان پاکستانی برای محموله‌هایی که از ایران وارد می‌کنند و صادرکنندگان ایرانی باید فرم الکترونیکی واردات و صادرات را به شبکه بانکی پاکستان ارائه دهند و با توجه به تحریم بانک‌های ایرانی و سیستم بانکی کشور، انجام این فرایند دشوار شده و مشکلاتی را برای صادرات ایران به پاکستان و واردکنندگان پاکستانی که محموله‌های خود را از ایران تأمین می‌کنند، ایجاد کرده است». موضوعی که علی شریعتی، عضو اتاق بازرگانی و فعال اقتصادی در گفت‌وگو با «شرق» تأیید کرده و می‌گوید این اقدام پاکستان عملا پیروی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران است و مشخص نیست که این کشور در رویه جدید خود بازنگری کند یا خیر؟

خبر انسداد مرز ایران و پاکستان در حالی منتشر شد که برخی گزارش‌ها

لژوم بازآفرینی سازوکار سنجش ریسک اعتباری

گره کور ضامن در تسهیلات تکلیفی

رضا راستی‌الحسینی

کارشناس اقتصاد

تصور کنید جوانی پس از ماه‌ها انتظار در صف دریافت تسهیلات ازدواج یا اشتغال، سرانجام به جابه بانک می‌رسد، اما با پاسخ تصدی همان جمله نام‌اشنا و مایوس‌کننده است: دو ضامن رسمی با گواهی کسر از حقوق. این صحنه روزمره در شبکه بانکی، حکایت فاصله میان تصمیم‌گیری در اتاق‌های در بسته و واقعیت جاری در سطح جامعه است. قوانین و دستورالعمل‌های رسمی همواره بر ساده‌سازی فرایند اخذ وثیقه و پذیرش دارایی‌های خرد تأکید دارند، اما در عمل، مطالبه ضامن کارمند به سدی نفوذناپذیر تبدیل شده است. تقلیل این چالش به یک ناهماهنگی ساده اداری یا سلیقه شخصی کارکنان، ندیدن عمق مسئله است؛ واقعیت این است که نظام بانکی با بحران ناکارآمدی در شیوه سنجش اعتبار روبه‌روست.

حکم جدید دیوان عدالت اداری درخصوص برداشت مستقیم از حساب قرض‌الحسنه وام‌گیرنده و ضامن، اگرچه با هدف تسهیل وصول مطالبات صادر شده است، اما در صورت نبود سازوکارهای اجرایی سریع و کارآمد، می‌تواند به شکل‌گیری چالش‌های جدیدی منجر شود. مشکل اصلی، خلا زمانی احتمالی میان سررسید بدهی و زمان اجرای فرایندهای قضائی است. اگر این فاصله طولانی شود، بانک‌ها با هزینه‌های بیشتر، فرسایش منابع و کاهش قدرت برنامه‌ریزی مواجه خواهند شد. این وضعیت، بانک‌ها را به سمت اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه‌تر در اخذ تضامین سوق می‌دهد که در نهایت به ضرر متقاضیان تسهیلات خواهد بود. بنابراین، لازم است این حکم قضائی با اصلاح فرایندهای اداری و قضائی مرتبط، به گونه‌ای اجرا نشود که سرعت وصول مطالبات را افزایش دهد و از طولانی‌شدن فرایندها جلوگیری کند. افزایش مستمر سقف ریالی تسهیلات خرد به منظور جبران فشارهای تورمی، تعادل سنتی میان ابعاد وام و ارزش وثایق پیش‌بینی‌شده را بر هم زده است. وقتی رقم یک فقره وام تکلیفی به چند صد میلیون تومان می‌رسد، ابرازایی نظیر یارانه ماهانه یا سفته‌های فاقد نقدشوندگی فوری، پشتوانه محکمی برای پوشش ریسک محسوب نمی‌شوند. در دانش مالی، اصلی پذیرفته‌شده وجود دارد که می‌گوید وثیقه کارآمد باید توانایی جبران سریع و قطعی مطالبات غیرجاری را داشته باشد. در غیاب این تناسب، شعب بانکی برای پیشگیری از عواقب ناشی از بدهی‌های سوخت‌شده، دست به واکنشی تدافعی می‌زنند و با اصرار بر معرفی ضامن معتبر، بار ریسک سیستم را به طور کامل بر دوش مشتریان منتقل می‌کنند.

برای پایان‌دادن به این دور باطل، نخستین گام عبور از الگوهای سنتی و کاغذی و پیاده‌سازی اعتبارسنجی جامع و داده‌محور است. در الگوهای پیشرفته پولی، شایستگی دریافت اعتبار بر پایه تحلیل الگوهای رفتاری، سوابق بیمه‌ای، انضباط در پرداخت قبوض و شفافیت در گردش حساب‌ها ارزیابی می‌شود. سامانه‌های هوشمند با پردازش این داده‌های پیوسته می‌توانند احتمال عدم بازپرداخت را با دقت بالا تخمین بزنند و نیاز به اخذ تضامین سخت‌گیرانه را منتفی کنند. در کنار این ارزیابی داده‌ای، حضور نهادهای حمایتی و صندوق‌های تضمین عمومی به عنوان پشتوانه نهایی الزامی است تا در صورت بروز ناتوانی غیرمترقبه در بازپرداخت، خسارت احتمالی از مسیری اتکالی و بدون آسیب به ترازنامه بانک جبران شود. راهکار مکمل و بی‌بدیل دیگر، بهره‌برداری کامل از درگاه‌های الکترونیک برای توثیق دارایی‌های منجمد مردمی است. بخش عمده‌ای از شهروندان مالکیت دارایی‌های رسمی نظیر سهام بازار سرمایه، اوراق بهادار، خودرو، طلا و حتی خطوط ارتباطی دائمی را در اختیار دارند، اما ساختار سنتی بانکداری این ثروت‌ها را به‌عنوان وثیقه معتبر به رسمیت نمی‌شناسد. اتصال برخط پایگاه‌های ثبت اموال به شبکه بانکی این امکان را فراهم می‌سازد که توثیق دارایی در کسری از ثانیه و بدون تشریفات فرساینده اداری انجام شود. با تحقق این معماری نوین، هم کرامت متقاضیان در دریافت حقوق قانونی خود حفظ می‌شود و هم پایداری و سلامت نظام بانکی در مهار مطالبات معوق تضمین خواهد شد. زمان آن فرارسیده است که سیاست‌گذار پولی با تکیه بر سامانه‌های نوین، این گره کهنه را برای همیشه باز کند.



حاکمی از توقف برخی کامیون‌های ایرانی به مدت ۲۰ تا ۳۰ روز پشت مرز است و خبرگزاری فارس شمار کامیون‌های متوقف‌مانده پشت مرز را حدود سه هزار کامیون دانسته است.

با این حال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان در سفری که به تازگی به تهران داشته است، مدعی شد مرز بین دو کشور بسته نیست و فعالیت‌های تجاری ادامه دارد، ادعایی که از سوی فعالان اقتصادی کشور رد می‌شود. در همین زمینه فارس گزارش داد «در حالی که فرمانده ارتش پاکستان در دیدار با دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، مرزهای دو کشور را باز اعلام کرده بود، پیگیری‌ها نشان می‌دهد که مرزها همچنان بسته هستند و با وجود مذاکرات صورت‌گرفته با مسئولان پاکستانی، کمرک پاکستان از بازگشایی مرزها امتناع کرده است».

این رسانه در ادامه نوشته است: «بنابر ادعای طرف پاکستانی تنها واردات از پاکستان به ایران، تخلیه تانکرهای گاز معطل در کمرکات مرزی و صادرات محموله‌های میوه و تره‌بار از ایران مقدور است و این نوع بازگشایی تنها نیازمندی پاکستان را رفع می‌کند».

تجارت قطره‌چکانی در مرز ترکیه

کرفتاری بازرگانان و صادرکنندگان ایرانی تنها به این مرزها ختم نمی‌شود و ماه‌هاست خبر معطلی کامیون‌های ایرانی پشت مرزهای ترکیه به گوش می‌رسد. براساس این گزارش‌ها روزانه سه تا پنج هزار کامیون ایرانی در مرز بازرگان به مدت حدود ۲۰ روز معطل می‌شوند. هرچند این مشکلات به کمبودهای زیرساختی نسبت داده می‌شود اما کامیون‌داران می‌گویند ترکیه ظرفیت پذیرش روزانه هزار کامیون ایرانی را دارد اما به صورت قطره‌چکانی و تنها برای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کامیون در روز مجوز عبور صادر می‌کند. بر اساس گفته کامیون‌داران در حالی که رانندگان ایرانی نزدیک به ۲۰ روز در صف خروج به سمت ترکیه معطل می‌مانند، کامیون‌های ترکیه تنها یک هفته در صف ورود به ایران معطل می‌شوند. پیش‌تر مسئولان کمرک اعلام کرده بودند که روزانه حدود ۳۰۰ کامیون ایرانی از مرز خارج می‌شوند، درحالی‌که حدود ۶۰۰ کامیون از طرف ترکیه با سرعت بیشتری وارد ایران می‌شوند. همچنین فعالان اقتصادی گزارش می‌دهند که هزینه حمل‌ونقل به ترکیه به صورت سرسام‌آوری افزایش داشته است، به طوری که در مواردی هزینه حمل‌کشتی در مسیر پرریسک تنگه هرمز از هزینه حمل تا بندر مرسین ترکیه ارزان‌تر تمام می‌شود. احسان ملک‌زاده، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی ایران در گفت‌وگو با مهر از افزایش هزینه‌های لجستیک فراتر از ۱۰ درصد ارزش کالا خبر داده و گفته است که «کرایه حمل از بنادر ترکیه به ایران به هشت هزار دلار رسیده است». این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که پس از محاصره دریایی کشور، گزارش‌ها حاکی از آن است که آمریکا همسایگان ایران را برای محاصره زمینی و هوایی کشور زیر فشار گذاشته است و در همین زمینه اخیرا شماری از همسایگان پروازهای شرکت‌های هواپیمایی ایران به فرودگاه‌های خود را محدود کرده‌اند.

این نیمکت، نباید خالی بمونه!

تو می‌تونی یه دانش‌آموز رو به مدرسه برگردونی...

با حمایت از درمان کودکان محک بخشی از فردای روشن کودکانعان باشید.



من هم حمایت می‌کنم

#۷۳*۱*



محک

مؤسسه خیریه حمایت از

کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org